

عوامل پایداری نوروز در عصر اسلامی و بازتاب

آن در شعر عربی در دوره عباسی

دکتر ابوالحسن امین مقدسی استاد راهنمای رساله
استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران
بهرام امانی چاگلی دانشجوی دوره دکتری
(از ص ۹۷ تا ۱۱۶)

چکیده:

پژوهش حاضر پس از بررسی نوروز و نفوذ آن در شبه جزیره عرب، چالشهای بوجود آمده بدنبال مواجه شدن دین مبین اسلام با فرهنگ نوروزی و نیز سیاستهای خلفای راشدین، اموی و عباسی را در ارتباط با نوروز در عصر اسلامی مورد تحلیل قرار داده است.

تداوم فرهنگ نوروزی در پیچ و خمهای تحولات تاریخی در دوره اسلامی به عوامل گوناگون اعتقادی، اقتصادی و سیاسی مربوط بود. این عید باستانی به خاطر برخورداری از پیامهای والای انسانی با شعارهای متعالی اسلامی هماهنگ شده و با این طریق توانست به تثبیت و پایداری خویش کمک کند.

نوروز در اشکال گوناگونی در ادبیات عرب عصر عباسی از جمله در شعر عربی متجلی شد. سنتهای نوروزی همانند: رسم هدیه، آب پاشی، آتش بازی و... یا به طور مستقیم در اشعار عربی این دوره ظاهر شدند و یا در این آیام برای موسیقی دانان، شاعران و ترانه سرایان فرصتی فراهم آمد تا بتوانند آثارشان را به مناسبت نوروز عرضه داشته و به این وسیله تأثیر بزرگی بر رشد و ترقی شعر عربی در شکل و محتوا بگذارند.

واژه‌های کلیدی: اشعار نوروزی، اسلام و سنتهای ملی، اعیاد باستانی

ایران، خلفاء، نیروزیات.

مقدمه:

از آنجایی که دز جریان تماسهای فرهنگی دولت و در فرایند فرهنگ پذیری برخی از خرده فرهنگها بکلی نابود می شوند و برخی دیگر عیناً یا با تغییراتی اندک تداوم می یابند، نگارنده در صدد بر آمد به بررسی نوروز در دوره اسلامی و بازتاب آن در ادبیات عرب دوره عباسی بپردازد.

نوروز به خاطر برخاستن از فرهنگ کهن ایرانی و گرفتن رنگ و نمای دین زرتشت در مواجه شدن با هجوم اعراب مسلمان به ایران دچار چالش شده و به سبب برخورداری از توانمندیهای ذاتی و نیز برخورداری از حمایت توده مردم نه تنها توانست در فرهنگ عمومی جامعه ایرانی به حیات خویش ادامه دهد بلکه با بهره مندی از شاخصهای مثبت خود به درون دربار اموی و عباسی راه یافته و با ایجاد زمینه برای ادیبان عصر عباسی توانست بر ادبیات این دوره به ویژه بر شعر دوره عباسی تأثیر فراوانی بگذارد. در این پژوهش تلاش شده با استفاده از منابع تاریخی و ادبی عوامل پایداری نوروز و میزان بازتاب آن در ادب عباسی مورد بررسی قرار گیرد.

نوروز به خاطر برخورداری از سنتهای اهداء هدایا، ترانه سرایی، موسیقی و شعر سرایی، تبادل پیامهای تبریک نوروزی و هم زمانی با آغاز فصل بهار توانست شاعران را در سرودن اشعار مدح آمیز نوروزی و توصیف صحنه های رقص و موسیقی، خوشگذرانی، توصیف بهار و زیباییهای آن و... تشویق و ترغیب نماید.

نوروز و وجه تسمیه آن:

نوروز ترکیبی فارسی است و از دو کلمه «نو» و «روز» تشکیل شده و همانطور که در زبان پهلوی مرسوم بوده صفت بر موصوف مقدم گشته است. اصل پهلوی این کلمه «نوگ روز» (Noghroz) بوده (آرتور کریستن سین، ۱۳۷۷، ص ۲۵) و ابونواس شاعر عصر عباسی نیز در این بیت از شعرش بدان اشاره می کند.

النووکروز الکبار - وجشن گاهنبار

(فزاد عبدالمعطی، ۱۹۷۲، ص ۶)

بیرونی در بیان وجه تسمیه نوروز می گوید: «... در این روز هر چوبی که خشک شده

بود سبز شد و مردم گفتند (روز نو) یعنی روز نوین. (ابوریحان بیرونی، ۱۳۵۲، ص ۲۵۳)
کلمه نوروز در زبان عربی به شکل «نیروز» در آمده و شاعران و نویسندگان نیز گاهی از
آن فعل ساخته‌اند. جریر شاعر عصر اموی در هجو اُخطل و قبیله‌اش تغلب به خاطر
پرداخت جزیه نوروزی به پادشاهان ساسانی می‌گوید:

عَجِبْتُ لِفَخْرِاَلتَغْلِبِ و تَغْلِبُ تُؤدِي جِزِي التَّيْرُوزِ خَضَعاً رِقَابِهَا
(أبو منصور الجواليقي، ۱۳۶۱ هـ.ق، ص ۳۴۰)

شاعری دیگر کلمه نوروز را به شکل فعل بکار برده است و می‌گوید:

نورز الناس و نورز ت و لکن بدموعی
(أحمد بن علی المقريزي، ۱۹۵۹ م، ج ۳، ص ۳۹۶)

تایخچه نوروز:

نوروز از اعیادی است که بیشتر مورد پسند عامه مردم بوده و تا به امروز نیز ادامه
دارد. زمان برگزاری آن همانگونه که بیرونی به آن اشاره دارد در آغاز فصل گرما بوده
است.

مورخان، تاریخ دقیقی از پیدایش نوروز ارائه نمی‌دهند. برخی بر این باورند که آثاری
از جشن «گموک» بابلیان در نوروز وجود دارد و طبق مستندات خویش شروع آن را در
اواسط هزاره دوم و به صورت دقیق‌تر حوالی قرن سیزدهم یا چهاردهم پیش از میلاد
می‌دانند. (آرتور کریستن سن، ۱۳۷۷، ص ۲۵۱)

عده‌ای نیز آنرا مربوط به «جمشید پادشاه» دانسته و قدمت آنرا دو هزار و پانصد سال
پیش از جشن مهرگان قلمداد می‌کنند. (عمرو بن بحر جاحظ، ۱۴۰۶ هـ.ق، ص ۲۳۲ و سید محمود
شکری آلوسی، ۱۳۴۲ هـ.ق، ج ۲، ص ۳۵۵)

فردوسی نسبت پیدایش نوروز به «جمشید پادشاه» را مورد اشاره قرار داده و
می‌گوید:

بجمشید برگوهر آفشانند	مر آن روز را روز نو خواندند
سر سال نوهر مزفرور دین	بر آسوده از رنج تن، دل زکین
بزرگان بشادی بیاراستند	می و جام و رامشگران خواستند
چنین روز فرخ از آن روزگار	بمانده از آن خسروان یادگار

(ابوالقاسم فردوسی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴)

سبب پیدایش نوروز هر چه باشد مانند بسیاری از اعیاد چون عید میلاد مسیح در نزد مسیحیان، عید فطر و قربان نزد مسلمانان و عید صوماریا نزد یهودیان بنیاد و پوششی دینی دارد.

بیرونی می‌گوید: زرتشتیان بر این باورند که خداوند در نوروز از آفرینش جهان آسوده شد و زرتشت در این روز توفیق یافت با خداوند مناجات کند. (ابریحان بیرونی، ۱۳۵۲، ص ۲۸۲)

برخی از مهمترین سنتهای نوروزی

در برگزاری مراسم جشن و سرور نوروز تجلی برخی از عناصر مقدس دیرینه و طبیعی ایرانیان چون آب و آتش مشاهده می‌شود. (حسن پیرنیا، بدون تاریخ، ج ۱، ص ۱۷۰) در روز اول نوروز مردم صبح بسیار زود از خواب برخاسته و به کنار رودخانه‌ها و قنات‌ها می‌رفتند و شستشو می‌کردند. در این روز مردم به یکدیگر آب می‌پاشیدند و شیرینی تعارف می‌کردند. (آرتور کریستن سن، ۱۳۷۷، ص ۲۵۱)

شاعر عرب در ترسیم این سنت می‌گوید:

بعثت بنار الشوق ليلاً الى الحشى فنورزت صبحاً بالدموع على الخد

(طه ندا، ۱۴۱۲ هـ.ق، ص ۲۲۷)

عمده محققان در علت پاشیدن آب در صبح نوروز به عللی چون إغتسال، تبرک جستن به آب، زدودن کثافات آتش و دود (به ویژه کثافات آتش بازی شب پیش از نوروز) اشاره می‌کنند. (ابریحان بیرونی، ۱۳۵۲، ص ۲۸۵ و عمرو بن بحر جاحظ، ۱۴۰۶ هـ.ق، ص ۲۳۲)

عنصر مقدس دیگر ایرانیان در انجام مراسم نوروزی آتش است. مردم در شب عید با چراغانی کردن زاهها و آتش افروزی در کوچه‌ها و خیابانها به جشن و شادی می‌پرداختند. چیزی که بعدها مورد نارضایتی خلیفه عباسی المعتضد در بغداد واقع گردید، وی در صدد محو آن برآمد ولی موفق نشد. (هاشم رضی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۴) شاعر آب پاشی و آتش افروزی را با بیانی شیواگرد آورده. و می‌گوید:

و ذكَّتْ نَارَهُمْ وَ الذِّ

ارَّ مَابَيْنَ ضَلُوعِي

(طه نداء، ۱۴۱۲ ه.ق، ص ۲۲۸)

یکی دیگر از سنتهای نوروزی سنت اهداء هدایاست. جاحظ می‌گوید: بزرگان هدایایی تقدیم شاه می‌کردند. هرکس آنچه را که خودش بیشتر دوست می‌داشت هدیه می‌کرد؛ از قبیل عنبر، مشک، جامه و غیره. شاعران و خطیبان اشعار و خطبه‌های خود را به مناسبت نوروز عرضه می‌کردند. (عمرو بن جاحظ، ۱۴۰۶ ه.ق، ص ۲۳۶) عباس همدانی به رواج این رسم در دوره خلفای عباسی اشاره می‌کند و خطاب به مأمون می‌گوید:

أهدئ لک الناس المرا	کب والوصائف ^(۱) و الذهب
وهديتي حلؤ القضا	ئد و المدائح والخطب
فاسلم سلمت علی الزما	ن من الحوادث و العطب ^(۲)

(أحمد بن محمد بن عبد ربه أندلسی، ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۱، ص ۳۱۸)

از آنجائیکه هدیه دادن مهرورزی و معنویت انسان را تقویت می‌کند مورد اهتمام پیامبر و ائمه قرار گرفته است. پیامبر (ص) می‌فرماید «تَهَادَوْا تَحَابُّوا» و «لَوْ أُهْدِيَتْ لِي دِرَاعٌ لَقَبِلْتُ، وَلَوْ دُعِبْتُ إِلَى كُرَاعٍ (كُرَاع: kura) پاچه گوسفند یا گاو آذرتاش / آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی) لَأَجِبْتُ»

و «تَصَافَحُوا فَإِنَّ الْمَصَافَحَةَ تُذْهِبُ غِلَّ الصُّدُورِ، وَ تَهَادَوْا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَذْهِبُ بِالسَّخِيمَةِ (السَّخِيمَةُ sakima کینه، همان)». (ابن قتیبة الدینوری، ۱۳۴۶ ه.ق، ج ۳، ص ۳۴)

احادیث پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) درباره محاسن هدیه و تأکید قرآن به امر هدیه رسانی در سوره «النمل» آیه سی و ششم، این بخش از فرهنگ نوروزی را با ارزشهای دینی اسلام هماهنگ‌تر نمود و بدین سبب این جنبه از فرهنگ نوروزی در دوره‌های اسلامی به شکلی عمیق‌تر و گسترده‌تر مورد پذیرش قرار گرفت و در ادبیات عرب نیز بازتاب گسترده‌ای داشت که شرح آن خواهد آمد.

رَدّ و بدل شدن هدایا در سطح بین المللی پیش از اسلام نیز در خور توجه است. از

۱- الرصائف: مفردش الرصيفة wasifa: کنیزک، آذرتاش / آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی.

۲- العطب atab: نابودی، هلاکت. همان

هند فیل، انواع شمشیر، مشک، پوست، از تبت و چین مشک، حریر و ظروف، از سند طاووس و از روم دینا به پادشاهان ایران هدیه می دادند. (عمروبن بحر جاحظ، ۱۴۰۶ ه.ق، ص ۲۳۶)

إهداء نوروزی غلامان ترک زیاروی و مزین به گوشواره و... به پادشاه روم (همان، ص ۲۳۷) و اهداء غلامی زیبا به همراه هدایا توسط موید موبدان در صبح نوروزی به پادشاه (عمرین ابراهیم ختیم، ۱۳۷۹، ص ۳۷) از مصادیق قابل توجه می باشد و شاید این گونه از مقوله های فرهنگی بودند که در دوره عباسی در قالبهای ادبی و اجتماعی به صورت غزل مذکر بازتاب می یابند.

فرا رسیدن نوروز بر پایی موسیقی و ترانه و شعر سرایی را نیز به همراه داشت، غناهایی که در پیشگاه شاهان خوانده می شد گوناگون بودند. جاحظ در کتاب «المحاسن و الأضداد» نام برخی از آنها را ذکر کرده است. او در کتابش می گوید: غناء «فهلید» در زمان خسرو پرویز فراوان خوانده می شد و بیشتر غناهای وی در ذکر جنگها و مجالس و فتوحاتش بود و آن به منزله شعر در سخن عرب به حساب می آمد. (عمروبن بحر جاحظ، ۱۴۰۶ ه.ق، ص ۲۳۳)

غناها و آواها در نوروز متنوع بود و دستگاه های موسیقی نیز عبارت بودند از: نوروز اصل، نوروز حجازی، نوروز خارا، نوروز عجم، نوروز عرب، ساز نوروز و ناز نوروز و... (هاشم رضی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۵) محافل شعری، خطبه خوانی، آواز و موسیقی با سرور و شادی در ایام نوروز برگزار می شد. این جنبه از فرهنگ نوروزی نیز تأثیر زیادی بر ادبیات عرب در ادوار اسلامی به ویژه در عصر عباسی داشت. ما در عصر عباسی به وضوح مشاهده می کنیم که چگونه شاعران و موسیقی دانان آثارشان هدیه به خلیفه تقدیم می کردند.

أحمد بن یوسف اهداء هدیه نوروزیش را به همراه اشعار ذیل تقدیم کرده و می گوید:

على العبدِ حقٌّ فهو لا بدَّ له وإن عظم المولى و جلتُ فضائلُه
ألم ترنا نهدى الى الله ماله وإن كان عنه ذا غنى فهو قابله...

(حسین مجیب مصری، ۱۳۹۰ ه.ق، ص ۱۰۴)

نفوذ نوروز در شبه جزیره عربستان در صدر اسلام و پیش از آن: از آنجایی که حکومت ساسانی در بسیاری از مناطق شبه جزیره عربستان همچون

یمن، بحرین و... در راستای اهداف سیاسی - اقتصادی خویش حضور فراوانی داشت، شناخت عید نوروز و رواج آن در این مناطق دور از انتظار نیست. جریر، أخطل و قبیله اش ثغلب را به خاطر پرداخت جزیه نوروزی به پادشاهان حیره هجو کرده و می گوید:

عَجِبْتُ لِفَخْرِ التَّغْلِبِيِّ وَ تَغْلِبِ تَوَدَّى جِزْيَ النَّبْرُوزِ خَضَعاً رِقَابِهِا
أَبْفَخْرِ عَبْدِ أُمِّهِ تَغْلِبِيَةً قَدْ إِخْضَرَ مِنْ أَكْلِ الْخَنَانِيصِ^(۱) نَابِهَا

(ابو منصور الجوالیقی، ۱۳۶۱ ه.ق.، ص ۳۴۰)

از نقاط دیگر عربستان که تحت تأثیر فرهنگ ایران قرار گرفته و نوروز در آنجا رواج داشته شهر مدینه است. مطابق روایت جاحظ از قدیم الایام ایرانیان به این شهر مهاجرت کرده و بسیاری از واژه های فرهنگی خویش را به این شهر رواج داده اند. (عمرو بن بحر جاحظ، بیان والتین بدون تاریخ، ج ۱، ص ۱۱) بنابراین رواج عید نوروز با توجه به روایتی که از پیامبر در این زمینه نقل شده است بسیار محتمل است.

بیرونی می گوید: پیامبر وارد شهر مدینه شد در حالی که مردم مدینه دو روز داشتند و در آن دو روز جشن می گرفتند. پس پیامبر فرمود: «ما هذان الیومان»؟ پاسخ دادند ما در دوره جاهلیت این دو روز را جشن می گرفتیم، پیامبر فرمود: «قد أبدلکم الله تعالی بهما (نوروز و مهرگان) خیراً منهما یوم الأضحی و یوم لالفطر» (ابوریحان بیرونی، ۱۳۵۲، ص ۳۶۶) مسعودی نیز در شرح اعیاد باستانی ایران تنها از بی خبری یکی از اعیاد ایرانی به نام «الکوسج» در نزد مردم شام، جزیره، یمن و مصر خبر می دهد. (ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، ۱۳۴۰، ج ۱، ص ۵۴۴) از سویی دیگر و جود سلمان فارسی به همراه عده ای دیگر از ایرانیان در مدینه تا حدود زیادی می توانست شناخت اعراب از نوروز را فراهم آورد.

بیرونی روایت می کند که سلمان فارسی به اعراب می گفت: ما در عهد زرتشتی می گفتیم خداوند برای زینت بندگان خود یاقوت را در نوروز و زبرجد را در مهرگان بیرون آورد و فضل این دو بر آیام مانند فضل یاقوت و زبرجد است بر جواهر دیگر.

(ابوریحان بیرونی، ۱۳۵۲، ص ۲۹۱)

سیاست خلفای راشدین در برابر نوروز:

در دوره راشدین از سوی خلفاء پذیرش صریحی از نوروز دیده نمی شود عکس العمل هایی را که خلفا در هنگام برابر شدن با نوروز انجام می دادند مؤید این سخن است.

جاحظ روایت می کند که گروهی از دهقانان ایرانی برای علی بن ابی طالب (ع) جامه هایی از شیرینی حلوا بردند. حضرت علی (ع) فرمود: اینها چیست؟ گفتند به مناسبت نوروز است. حضرت علی (ع) فرمود: نوروز ما هر روز است. پس حلوا را خوردند به همراهان خود داد و جامه ها را میان مسلمانان تقسیم کرد و آنها را جزء خراج آنها به حساب آورد (عمرو بن بحر جاحظ، ۱۴۰۶ ه.ق، ص ۲۳۶).

عمر خلیفه دوم مسلمانان در پذیرش ایرانیان و سنتهای آنها بسیار با احتیاط رفتار می کرد. تصمیمات ناوی در اخراج ایرانیان مقیم مدینه (جرمی زیدان، ۱۳۵۲، ج ۴، ص ۶۷۰) کنار گذاشتن سکه های رایج ایرانی و تصمیم به ضرب سکه با پوست شتر (احمد بن یحیی البلاذری، ۱۳۴۶، ص ۳۷۹) ورد پیشنهاد تاریخ شاهنشاهی ایران به عنوان مبدأ تاریخ اعراب، و همچنین تلاش وی در دورنگه داشتن اعراب از ایرانیان و ایجاد شهرهای جدید کوفه و بصره برای آنها (محمد تقی سهر، ۱۳۴۱، ص ۲۰۸) و... بیانگر ترس او از فرو افتادن در فرهنگ ایران زمین بود. بنابراین عمر هیچگاه هدایای نوروز و مهرگان را آنگونه که بعدها در دوره بنی امیه رواج یافت نمی پذیرفت. در هیچیک از منابع تاریخی دیده نشده است که خلفای راشدین سنتهای نوروزی را پاس بدارند و بدنبال هدایای نوروزی باشند.

سیاست خلفای بنی امیه در برابر نوروز:

در جریان فتح ایران در تصادم و تبادل دو فرهنگ ایرانی و عربی موج نیرومند اسلامی برخاسته از عربستان تا حدود فراوانی توانست برخی از شاخصهای فرهنگی چون عقاید و افکار دینی ایرانیان را به عقب رانده، برخی از آن شاخصها را تحت تأثیر خویش قرار داده و آشکال جدیدی به آنها بدهد. بنی امیه نه تنها هرگز نتوانست از فرصت طلایی بدست آمده برای گسترش آیین پیامبر (ص) استفاده کند بلکه خود با گرفتن چهره جدیدی از اشرافی گزی عربی و برخی از اقدامات غیر اسلامی چون گرفتن جزیه از مسلمانان و غیره باعث برگشت بسیاری از ایرانیان تازه مسلمان شده از اسلام

شد. سیاست بنی امیه در زمینه سنتهای باستانی چون نوروز و مهرگان براساس منافع مادی و برپایه نوعی از اشرافی گری عربی بود. آنها با سواستفاده از رواج تقدیم هدایا به پادشاهان، اهداء هدایا را اجباری کرده و آنها را با عنوان مالیات از مردم می گرفتند. (سید محمود شکرى اوسى، ۱۳۴۲ ه. ق، ج ۱، ص ۳۵۰)

نوروز در نزد خلفای عباسی، مخالفان آن و در روایتهای اسلامی:

عباسیان و نوروز:

پس از شکست بنی امیه به دست عوامل ایرانی و به دنبال برخورد دو فرهنگ ایرانی و عربی، چهره جدیدی از نظام سیاسی - فرهنگی با پوشش اسلامی پا به عرصه تاریخ گذاشت. در این دوره سر برآوردن بسیاری از شاخص های فرهنگی ایرانی را به صورت آشکار یا پنهان مشاهده می کنیم. نوروز و مهرگان که پیشتر تا سطح توده و عامه مردم عقب نشینی کرده بود اندک اندک به سطح مقامات حکومتی ارتقا پیدا کرد. مهیار دیلمی از شاعران عصر عباسی استقبال عرب از نوروز را مورد اشاره قرار داده و در مدح یکی از وزرای عباسی به مناسبت فرا رسیدن نوروز می گوید:

واطَّلَعُ عَلَى النُّيُوزِ شَمْساً إِذَا ساقُ الغُروبِ الشَّمْسِ لَمْ تَغْرُبْ ...
يَوْمٌ مِنَ الفَرَسِ أَتَى وَ اِفْدَأ فَقالَتِ العُرْبُ لَهُ: قَرِّبِ

(مهیار دیلمی، ۱۳۴۴ ه. ق، ج ۱، ص ۱۰۳)

اگر چه اجرای مراسم و سنتهای نوروزی در سطح مردم به شکل گسترده تر و در سطح رسمی و حکومتی اندکی ضعیف تر بر پا می شد، با این حال دارای مخالفان سرسختی نیز بود. مخالفان غالباً کسانی بودند که دارای تعصبات تند دینی بودند و مراسم نوروز را مراسم گبری و مجوسی می دانستند و گاهی به منظور نابودی آنها حکم به حرام بودن آنها می دادند. محمد غزالی از مخالفان نوروز می گوید: «به نوروز منکرات بازارها آن بود که بر خریدار دروغ گویند و عیب کالا پنهان دارند... و آنچه برای سده و نوروز فروشنده چون سپهر و شمشیر و بوق سفالین این در نفس خود حرام نیست. اما برای اظهار شعایر گبران حرام است... چه نوروز و سده باید که مندرس شود و کس نام آن نبرد تا جایی که گروهی از سلف گفته اند که به نوروز باید روزه داشت تا از آن طعامها خورده نیاید و شب سده چراغ فرا نباید گرفت تا اصلاً آتش نبینند...» (هاشم رضی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۸ به نقل

از کیمیای سعادت)

در برابر این گروه از افراد عده‌ای هم بودند که تلاش می‌کردند به نوروز رنگ اسلامی بخشیده تا آن‌را از گزند مخالفان بازدارند. اعتقاد به تقارن نوروز و اعلان جانشینی علی (ع) توسط پیامبر در عید غدیر خم در بیست و نهم اسفند سال دهم هجری یا اعتقاد به تقارن آغاز خلافت علی (ع) پس از مرگ عثمان در هجدهم ذی الحجه سال سی و پنج هجری با نوروز، تلاش شیعیانی بود که در این راستا قدم بر می‌داشتند (هاشم رضی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۳). هاتف اصفهانی این اعتقاد را به زیبایی در قصیده‌ای در وصف نوروز بدین شرح بیان داشته است:

پریشان گیسوی شمشاد و افشان طره سنبیل نه از نامحرمان شرم و نه از بیگانگان پروا
به پاسخ نارون گفتش کز اطفال چمن بگذر که امروز أمهات از شوق در رقصند با آبا
همایون روزِ نوروز است امروز به فیروزی برورنگ خلافت کرد شاه لافتی ماوا
(هاشم رضی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۴)

بیرونی حدیثی از پیامبر (ص) را به نقل از ابن عباس درباره نوروز نقل کرده است که جالب توجه است. وی می‌گوید: در روز نوروز جامی سیمین پر از حلوا برای پیامبر آوردند، آن حضرت پرسید که این چیست؟ گفتند امروز روزِ نوروز است. پرسید که نوروز چیست؟ گفتند عید ایرانیان است. حضرت فرمود آری در این روز بود که خداوند عسکره را زنده کرد، پرسیدند عسکره چیست؟ فرمود: عسکره هزار مردمانی بودند که از ترس مرگ ترک دیار کرده و سر به بیابان نهادند و...» (ابریحان بیرونی، ۱۳۵۲، ص ۳۶۴)

ملا محسن فیض کاشانی در رساله نوروز و سی روز ماه و مجلسی در کتاب «سما العالم» از امام جعفر صادق (ع)، حاج شیخ عباس قمی در «نفس المهموم» از امام موسی بن جعفر (ع) و نیز از امام جعفر صادق (ع) احادیثی را نقل کرده‌اند که عمدتاً در تأیید نوروز و بیان فرائض دینی در روز نوروز است. البته پذیرش این احادیث نیاز به تحقیق و بررسی بیشتری دارد چرا که چه بسا در جریان تلاشها و کشمکشها، جناحهای فعال سیاسی در دوره عباسی از هر وسیله‌ای برای اثبات نظرات خویش استفاده می‌کردند. و شکی نیست که جریان ملی در تقابل با جریان مذهبی در حفظ سنتهای ملی ایران ساکت ننشست.

سیاست خلفای عباسی در برابر اعیاد باستانی ایران کاملاً مُحتاطانه بود. آنها عمدتاً از نوروز به عنوان یک ابزار سیاسی استفاده می‌کردند. خلفا چون شاهان ساسانی به منظور نفوذ در دل مردم ایران در روز نوروز به منظور آدای تبریک جلوس می‌کردند و هدایای مردم را می‌پذیرفتند.

حاج شیخ عباس قمی به نقل از شهر آشوب روایتی آورده است که در آن منصور خلیفه عباسی به اصرار از موسی بن جعفر (ع) خواست که در روز نوروز برای آدای تبریک امیران و لشکریان جلوس کند. زمانی که امام (ع) علت را جويا شد منصور پاسخ داد، ما این کار را برای سیاست لشگر خود می‌کنیم. (هاشم رضی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۷)

عوامل پایداری نوروز:

۱- گردآوری خراج براساس تقویم ایرانی:

عملکرد دیوانهای مالی در امور خراج براساس تقویم ایرانی ادامه یافت، چون گردآوری خراج و مالیاتها براساس تقویم ایرانی در پایان سال زراعی و مالی یعنی هنگام نوروز انجام می‌پذیرفت، ایجاد تغییر در زمان گردآوری خراجها از توان اعراب خارج بود. لذا مطابق همان نظام مالیاتی گذشته عمل کردند و به دنبالش نوروز را پاس داشتند.

(محمد محمدی ملابری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۴)

۲- هدیه:

جنبه مهمی از نوروز که با ارزشهای اسلامی هماهنگ بود بخش اهداء هدیه در این روز بود. احادیث فراوانی در این زمینه از پیامبر (ص) و ائمه (ع) نقل شده است که بیانگر اهمیت هدیه و هدیه دادن است. خداوند در سوره «النمل» آیه سی و ششم در این باره می‌فرماید: «وَأْتَى مُرْسِلَةً إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَظَرُوا بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسِلُونَ...» در دوره بنی امیه مُعاویه از هدایای نوروز و مهرگان استقبال می‌کرد و آنها را جزء اموال شخصی خویش قرار می‌داد. و پس از وی نیز سایر خلفای بنی امیه به جز عمرو بن عبدالعزیز که دستور داده بود کسی هدایای نوروز و مهرگان را نپذیرد و مطابق سنت عمر عمل کنند، هدایای نوروز را به عنوان خراج از مردم می‌گرفتند. (ابوبکر الصری، ۱۳۴۱ ه.ق، ص ۲۱۹) انگیزه مادی و سودجویی از راه دریافت هدایای نوروزی یکی از عواملی بود که خلفای موافق

یا مخالف نوروز را بر آن می‌داشت که نوروز را پاس دارند. و همین عامل بود که راه بزرگی را در تأثیرگذاری بر ادبیات عرب باز نمود و شاعران را بر آن داشت در مدح خلفا و عرض تبریک نوروزی به آنها به شعرپردازی روی آورند و اشعارشان را به عنوان هدیه تقدیم کنند.

۳- استمداد از احادیث در تأیید و حفظ نوروز

همانگونه که پیشتر شرح آن گذشت میهن دوستان شیعی و غیر شیعی ایرانی برای حفظ نوروز از هجوم فتوای فقیهانی چون محمد غزالی در تحریم برگزاری مراسم نوروزی و سایر اعیاد، به ایراد احادیثی از پیامبر (ص) و ائمه (ع) در تأیید نوروز اقدام کردند.

اشکال گوناگون بازتاب نوروز در ادبیات عربی در دوره عباسی:

۱- ارسال هدایا به همراه سرودن اشعار مدح آمیز به مناسبت نوروز

همانطور که در دوره ساسانیان در نوروز بزرگان هدایایی را به شاه تقدیم می‌کردند و شاعران و خطیبان نیز اشعار و خطبه‌های خویش را به همراه تبریک این روز بر شاه عرضه می‌کردند بعدها در دوره عباسی نیز این رسم رواج یافت. شاعران و نویسندگان عباسی در تبریک به خلفاء و امیران یا شعر و نوشته‌ای را به همراه هدیه‌ای برایشان می‌فرستادند و یا اینکه فقط قطعه‌های ادبی و اشعار مدح آمیز خود را به عنوان هدیه تقدیم می‌کردند.

احمد بن یوسف کاتب مأمون سبیدی نقره‌ای که در آن عود هندی گذاشته شده بود را به مأمون هدیه داد. (محمود شکرى نالرسى، ۱۳۴۲ ه.ق، ص ۳۵۰) احمد بن یوسف این امر را یک عادت فرض کرده و می‌نویسد: «هذا يومٌ جَزَتْ فيه العادةُ بِالطَّافِ العبيدِ للسادَةِ» (همان، ص ۳۵۰) او به دنبال ارسال هدیه‌اش اشعار زیر را به مأمون تقدیم می‌دارد.

وإنَّ عَظَمَ المولى وَ جَلَّتْ فِضائِلُهُ	عَلَى العبيدِ حَقٌّ فَهوَ لَابَدْلُهُ
وَ إنَّ كَانِ عَنْهُ ذَاغِنَى فَهوَ قَابِلُهُ	أَلَمْ تَرْنَا نَهْدَى إِلَى اللَّهِ مَالَهُ
لِقَصْرِ المَالِ عَنْهُ وَ نَائِلُهُ	وَلَوْ كَانِ يَهْدَى لِلْكَرِيمِ بِقَدْرِهِ
وَ إنَّ لَمْ يَكُنْ فِى وَسْعِنَا مَا يُعَادِلُهُ	وَلَكِنَّا نَهْدَى إِلَى مَنْ نَغْزُهُ

(طه ندا، ۱۴۱۲ ه.ق، ص ۲۲۸)

حسن بن وهب جامی از طلاکه در آن هزار مثقال طلا بود را برای متوکل عباسی فرستاد و برایش نوشت:

دهرِ برکنِ من الاله عزیز	یا اِمَامَ الْهَدَى سَعْدَتٍ مِنْ اَل
و بحرِ من اللیالی حریر	و بظِلِّ مَنْ النعیمِ مدیدِ
أنتَ تقضی به الی النیروز	لا تَزُلُ الْف حَجَبِ و مهرجانِ

(عمروبن بحر جاحظ، ۱۴۰۶ ه.ق، ص ۲۸۲)

شاعری دیگر تنها به تقدیم یک شعر به عنوان هدیه بسنده کرده و می‌گوید:

فَأنتَ أعظْمُ منه حقاً	جِعلتُ فداک للنیروز حقّ
لکان جلیله لک مستدفا	لوأهدیتُ فیه جمیعِ ملکی
و کنتُ لِذَکِ مِنْی مستحقفا	فأهدیتُ الثناء بنظمِ الشعرِ

(عمروبن بحر جاحظ، ۱۴۰۶ ه.ق، ص ۲۴۰)

ابو محمد حسن بن علی مطران شاعر عصر عباسی می‌گوید:

مَرَّ مِنْ قَبْلِهِ قَرِيباً رَسِیلُ	قد أتاک النیروزذ و هو بعیدُ .
بِـرَاحٍ کَأَنَّهَا سَلْسِیلُ	سل سبیلأ فیه الی راحة النفسِ
سُ و لکن هَدِیتِ ما أقول	و هدايا النیروز ما یفعل النا

(أحمد بن محمد بن عبد ربه الأندلسی، ۱۴۰۷ ه.ق، ص ۳۱۸، ج ۷)

شاعری دیگر که برای خرید نوزی و هدیه خلیفه به بازار رفته و دست خالی بر می‌گشته، می‌گوید:

و أستطرف ما أهدی	دخلتُ السوقَ ابتاع
ءِ لِإِطْرَفِ الْحَمْدِ	فما استطرفتُ لِإِلْهَادِ
رَعینَا حَرَمَةَ الْمَجْدِ	إِذَا نَحْنُ مَدْحَنَاک

(محمد محمدی ملایری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۱)

۲- به تصویر کشیده شدن سنتهای نوزی در اشعار شاعران:
فرا رسیدن نوز این فرصت را برای شاعران و نویسندگان فراهم می‌کرد که رسوم و سنتهای نوزی از قبیل اهداء خلعت توسط خلیفه یا پادشاه، آتش بازی، آب پاشی و... را را در آثارشان به تصویر بکشند. مهیار دیلمی سنت اهداء جامه را به ممدوحش

گوشزد کرده و می‌گوید:

حاشاکِ من عاریةِ ترد	إبيض ذاک الشعر المسود
وکیفِ طبّت أن بری فریسةً	نفساً و أینامُ الشتاء أسدُ
يَحْتَشَمُ النیرورُ من اطلاله	والمهرجانُ یقتضیک بعد

(مهیار دیلمی، ۱۳۴۴ ه.ق، ج ۱، ص ۱۱۳)

در جایی دیگر این شاعر می‌گوید:

ماکتبتُ او قرئتُ لم تترک ^(۱)	لغيرها مَحَطَّةٌ أو مَدْرَسا
نشفعُ للنیرورِ فیها جاء مِن	قبولکم مبتغياً ملتَمسا
ثم یعود مثلُها علیکم	بألف عیدِ عَرَبَا و فُرْسَا
فی نَعَم یقینها و حَقَّها	یُغنی اللیالی عن لَعَل و عَسَى

(مهیار الدیلمی، ۱۳۴۴ ه.ق، ج ۱، ص ۱۴۵)

شاعری در هجران یار، سنت آتش بازی و آب پاشی را با هم گردآورده و می‌گوید:

و لَمَّا أتى النورورُ یاغایة المُنی	و أنت علی الإعراض والهجرِ والصدِ
بعثتُ بنار الشوق لیلاً الی الحشی	فنورزتُ صباحاً بالدموع علی الخدِ

(طه ندا، ۱۴۱۲ ه.ق، ص ۲۲۷)

شاعری دیگر گوید:

کیفِ إستهاجک بالنیرورِ یاسکنی	وکل ما فیه یحکینی واحکبه
فتارة کلهبِ النار فی کبدی	وتارة کتوالی عبرتی فیه
أسلمتنی فیه یا سؤلی الی وصبِ	فکیف تهدی الی من تهديه

(محمد محمدی ملابری، ۱۳۷۹ ه.ش، ج ۱، ص ۲۳)

۳- مدح شاهان و خفاء توسط شاعرانی که در رواج و اصلاح نوروز

کوشیده‌اند:

شاعرانی نیز بودند که از نوروز و مراسم نوروز و بانیان این سنت با افتخار یاد می‌کردند و کسانی را هم که در حفظ و اصلاح آن می‌کوشیدند را مورد مدح و ستایش

۱- لم تترک taraka: تَرَک، مهمل و بی استفاده‌اش نگذاشت، آذرتاش / آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی.

خویش قرار می‌دادند. متوکل و معتضد عباسی بخاطر اصلاحاتی که در تقویم نوروزی به خاطر کبیسه بودن سال ایرانی بعمل آوردند، مورد تحسین شاعران قرار گرفتند. بحتری در توصیف و مدح متوکل عباسی می‌گوید:

إِنَّ يَوْمَ النِّيرِوزِ قَدِ عَادَ الْعَمَلُ	هَذَا الَّذِي سَنَّهُ أَرْدَشِيرُ
أَنْتَ حَوَّلْتَهُ إِلَى الْحَالَةِ الْوَالِيَةِ	لِي وَ قَدْ كَانَ حَائِثاً يَسْتَدِيرُ
فَأَفْتَتَحَتِ الْخِرَاجَ فِيهِ فَلِلْأَمَلِ	مَهْ فِي ذَاكَ مِرْفَقِ مَذْكَورِ
مِنْهُمْ الْحَمْدُ وَ الثَّنَاءُ وَ مِنْكَ الْعَمَلُ	دَلٌّ فِيهِمْ وَ النَّائِلُ الْمَشْكَورُ

(ابوریحان بیرونی، ۱۳۵۲، ص ۵۲)

اصلاح تقویم نوروزی توسط متوکل مطرح گردید و توسط معتضد عباسی اجرا گردید که به «نوروز معتضدی» معروف گشت. این اصلاح جهت رفاه حال مردم در پرداخت خراج پس از گردآوری محصولات کشاورزی بود که شاعر به آن اشاره کرده است. البته بعدها گروهی به سرپرستی خیام نیشابوری و به دستور ملکشاه سلجوقی به اصلاح تقویم نوروز معتضدی پرداختند و آنرا مطابق گذشتگان در آغاز بهار قرار دادند که تاکنون نیز ادامه دارد. (محمد محمدی ملایری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۸ و ۲۹)

مهیار دیلمی شاعر عصر عباسی که قصاید فراوانی را به مناسبت نوروز سروده است در فخرورزی به بانیان نوروز می‌گوید:

أَبْنَاءُ كَسْرِي نَشَرْتُمْ مَجْدًا	مَا أَدْرَجْتُمْ مِنْهُمْ اللَّيَالِي
وَ الْيَوْمَ عَنْ مَلِكِهِمْ حَدِيثٌ	يُسَبِّحُ بِأَيَّامِهِ الْأُولَى
بَنَوْا عَلَى الْعَدْلِ كُلِّ شَيْءٍ	فَأَنْتَخِبُوهُ يَوْمَ إِعْتِدَالِ

۴- تصویر بهار در اشعار نوروزی: (مهیار دیلمی، ۱۳۴۴ ه.ق، ج ۳، ص ۴۷)

واقع شدن نوروز در آغاز فصل رویش سبزه و گل شاعران را بر آن داشت در کنار توصیف نوروز به توصیف بهار و زیباییهای آن پردازند. متنبی شاعر توانمند این دوره در بیان تبریک به یکی از ممدوحانش می‌گوید:

جَاءَ نِيروزُنَا وَ أَنْتَ مُرَادُهُ	وَوَرْتٌ بِالَّذِي أَرَادَ زِنَادَهُ...
نَحْنُ فِي أَرْضِ فَارِسٍ فِي سُرُورٍ	ذَا الصَّبَاحِ الَّذِي نَرِي مِيلَادَهُ
مَا لَبَسْنَا فِيهِ الْأَكَالِيلَ حَتَّى	لَبَسْتَهَا تِلَاعُهُ وَ وَهَادَهُ

عَظَمَتَهُ مَمَالِكُ الْفُرْسِ حَتَّى	كُلُّ أَيَّامٍ عَامِهِ حُسَّادَهُ
عند من لا يُقاس كسرى أبوسا	سان مُلكاً به ولا أولاده
إذ أما رأوه طالعاً سجدوا له	كما سَجَدَتْ يوماً لِكسرى مَرازِبه
عربى لسائنه فلسفى	رأيه فارسية أعياده
كلما قال نائل أنامنه	سَرَفٌ قال آخرٌ ذاق تصادُه

(أبو الطيب المتنبي، ۱۳۵۷ هـ.ق.، ج ۱، ص ۲۳)

آبونواس نیز در اشعار نوروزیش زیبایی طبیعت را نشانه رفته است و می‌گوید:

ماترى الشمس حلت الحملا و قام وزنُ الزمانِ واعتدلا
و عنت الطيرُ بعد عجمتها و استوفت الخمر حولها كملا
و اكتسب الارض من زخارفها
و شى نباتٍ تخاله حلا

(هاشم رضی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۱)

ابن رومی به مناسبت نوروز در تبریک و مدح عبیدالله بن عبدالله به مناسبت نوروز از زیبایی طبیعت می‌گوید:

يوم الثلاثاء اما يوم الثلاثاء	فى ذرورة من ذرى الأيام علياء
ما طابق الله نبروز الامير به	إلا لتلقاه فيه كل سراء

لا سيما فى ربيع ممرع غَدَقِ^(۱)

ما انفك يتبع أنواءً بأنواء...^(۲)

(ابن الرومی، ۱۹۲۴ م، ج ۳، صص ۳۶ و ۳۸)

از جمله سنتهایی که در ایام نوروز توانست تأثیر زیادی بر ادبیات عرب در دوره عباسی بگذارد، سنت نوروز خوانی آهنگهای نوروزی و رابطه قوی آنها با شعر عربی بود. همانگونه که ابن خلدون، جاحظ و سایرین نقل می‌کنند، انواع غناء و موسیقی ساسانی به دوره اسلامی منتقل شد، اگر چه اعراب پیش از اسلام یک نوع موسیقی

۱- غَدَق gadag: سنگین بودن باران، آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی.

۲- أنواء: مفروش نَوء Naw: تند باد، طوفان، همان.

خاص داشتند که برای سرودن اشعار بکار می‌بردند، اما با توجه به رابطه عمیقی که میان موسیقی و شعر وجود دارد، موسیقی ایرانی تا حد فراوانی توانست بر شعر عربی در شکل و محتوا تأثیر بگذارد. شوقی ضیف در این باره می‌گوید: «مردم نوروژ و جشنهای ایرانی را بر پا می‌داشتند، خلفاء به موسیقی روی می‌آوردند همانگونه که پادشاهان ساسانی به آن روی آورده بودند». (شرفی ضیف، بدون تاریخ، ص ۶۰) وی در ادامه می‌گوید: «در دوره عباسی موسیقی شکوفاشد، موسیقی دانان حرفه‌ای از یک طرف و جواری آشنا به هنر موسیقی از طرفی دیگر در شعر شاعران تأثیر شگرفی گذاشتند. آن آوازه خوانان مرد و زن مطابق شعر نو آواز سر می‌دادند و از شعر شاعرانی چون بشار و مطیع بن ایاس استفاده می‌کردند و در آن خاطره‌های عشق و مسائل مربوط به آن همچون لَهو و لعب و می‌گساری و... را بر می‌انگیختند». (همان، ص ۶۴)

نوروژ چون ذاتاً با جشن و سرور و شادی همراه بود فرصت خوبی را برای آواز خوانان و موسیقی دانان و شاعران فراهم می‌کرد تا هنر خویش را عرضه کنند. ابونواس در اشعار نوروژیش به خوبی صحنه‌های شور و شادی را به تصویر کشیده و می‌گوید:

سقى الله طبيباً مُبْدِي الغُنْجِ^(۱) فِي الخَطَرِ يَمِيسُ^(۲) كغصن البان من رقة الخضر
 يُباكرنا النوروز في علس الدجى بنور على الأغصان كالأنجم الزهر
 و مُسمِعة جاءت بأخرس ناطق بغير لسان ظلّ ينطق بالسحر
 نرى فخذ الألواح فيها كأنها الى قدم نيطت تُصجّ الى الزمر^(۳)
 أصابؤها مخضوبة و هي خمسة
 تَحْتَمَنَ بالأوتار في العُسر و اليسر...

(حسن بن هانی ابونواس، ۱۴۲۳ ه.ق، ص ۱۸۰)

ابن رومی نیز در توصیف قیام و آواهای موسیقی خاموش ننشسته و صحنه‌ای از جشن و سرور در روز عید را به تصویر می‌کشد آنجا که می‌گوید:

۱- غُنْجِ gung: عشوه کردن، ناز کردن زن: آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی.

۲- یمیس، میس میس may: می‌خرامد. خرامیدن، همان.

۳- الزمر zamr: بی، نواختن، همان.

وقیان، کأنها أمهاتٌ
عاطفاتٌ علی بنیها، خوان،
مطفلات، و ما حملن جنیناً
مُرضعات، و لسن ذات لبان
کُل طفلٍ یدعی بأسماء شتی:
بین عود، و مزهر^(۱)، و کران^(۲)؛

(الأب شیخو، ۱۴۱۹ ه.ق، ج ۳، ص ۱۲۷)

همانگونه که نوروز در شعر شاعران دوره عباسی تأثیر فراوانی گذاشت، در نثر دوره عباسی نیز خود را نمایان ساخت که از شرح مفصل آن امتناع کرده و تنها به ذکر برخی از آنها بسنده می‌کنیم که عبارتند از: رساله بدیع الزمان همدانی به شیخ أبو عامر، قطعه ادبی ابوالحسین بن سعد در اوایل دوره عباسی، قطعات ادبی ابوهلال عسکری درباره نوروز، قطعه ادبی نوروزی حسن بن وهب خطاب به متوکل عباسی و موارد فراوان دیگری که به طور پراکنده در متون ادبی و تاریخی عصر عباسی آمده است.

به خاطر اهمیت نوروز برخی از ادیبان و دانشمندان آثار علمی و ادبی خود را به این نام نامگذاری می‌کردند و به حاکمان وقت تقدیم می‌کردند. مانند ابن سینا که رساله هفتم خویش را در باب معانی حروف هجا در تقدیم به ابوبکر محمد بن عبدالله به «الرسالة النیروزیة» نامگذاری کرد. همانطور که گفته شد نوروز در شعر عربی به طور گسترده‌ای رواج یافت که امروزه به «النیروزیات» معروف است و شرح و بررسی آنها از توان یک مقاله خارج است لذا در اینجا سخن از نوروز و تأثیرات ادبی آن را کوتاه می‌کنیم و تنها به معرفی برخی از آثار درباره نوروز می‌پردازیم که عبارتند از: کتاب «النوروز و المهرجان» از ابوالحسن علی بن هارون (ابن الندیم، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۶۱)، کتاب «الاعیاد و النواریز» از موسی بن عیسی کسروی (همان، ج ۳، ص ۱۴۲)، رساله‌ای در نوروز از حمزة بن حسن اصفهانی (ابوریحانی بیرونی، ۱۳۵۲، ص ۵۲) کتاب «الأعیاد و فضائل النیروز» از اسماعیل بن عباد وزیر آل بویه (ابن خلکان، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۰۸)، و «الرسالة النیروزیة» از ابوعلی سینا (نژاد عبدالمعطی الصیاد، ۱۹۷۲، ص ۸۳)، کتاب «النیروز» از ابوالحسین أحمد بن فارس (همان، ۱۹۷۲، ص ۱۲۷).

۱- المیزهر: بریظ، نوعی ساز، الأب شیخو، المجانی الحدیثة، ج ۳، پاورقی ص ۱۲۷.

۲- کران: صنح، همان، ص ۱۲۷.

ص ۸۲) و کتاب «الأشعار السائرة في النوروز و المهرجان» از حمزه اصفهانی (همان، ۱۹۷۲م، ص ۸۲).

نتیجه:

نوروز به عنوان یک عید باستانی با سابقه چند هزار ساله اش بدنبال مواجه شدن با اسلام و مسلمانان به خاطر دارا بودن برخی از وجوه مشترک انسانی با دین مبین اسلام و نیز برخوردار بودن از اهدا فی والا نه تنها توانست در برابر برخی از جریانهای تند دینی مقاومت کند، بلکه با بهره‌مندی از حمایت شعوبیه و جریان تشیع، خلفای اموی و عباسی را نیز بر آن داشت جهت تحقق بخشیدن اهداف سیاسی و اقتصادی خویش بر تداوم فرهنگ نوروزی و انجام سنتهای آن بکوشند.

بدنبال نفوذ فرهنگ نوروزی در دربار خلفا و تجلی فرهنگ ایرانی در نزد آنها شاعران با مدح بزرگان و تبریک به آنها به مناسبت فرا رسیدن اهداء اشعار دل‌انگیز نوروزی و توصیف مجالس رقص و خوشگذرانی و نیز رابطه تنگاتنگشان با موسیقی دانان توانستند تأثیر فراوانی در شکل و محتوی شعر عربی عصر عباسی بگذارند.

در این دوره بسیاری از سنتهای نوروزی، نظیر آتش آفروزی، آب پاشی، هدیه و... در شعر شاعرانی چون ابونواس، بحتری، مهیار دیلمی، ابن رومی، متنبی و... با استعارات و تشبیهات بلاغی در قطعه‌های ادبی و فصاید به تصویر کشیده شده است. تأثیر نوروز در حوزه‌های ادبی و علمی به حدی بود که برخی از دانشمندان و ادیبان آثار خویش را با نام نوروز نامگذاری می‌کردند.

منابع:

- ۱- ابونواس، حسن بن هانی، دیوان ابی نواس، شرح أحمد عبدالمجید الغزالی، دارالکتب العربی، لبنان، بیروت، الطبعة الأولى، ۱۴۲۳ ه.ق، ۲۰۰۳م.
- ۲- ابن عبدربه الأندلسی، أحمد بن محمد، العقد الفريد، دارالکتب العلمیة، لبنان، بیروت، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۷ ه.ق = ۱۹۸۷م.
- ۳- ابن قتیبة الدینوری، ابی محمد عبدالله بن مسلم، عیون الأخبار، دارالکتب المصریة، القاهرة، الطبعة الاولى، ۱۳۴۶ ه.ق = ۱۹۲۸م.
- ۴- ابن خلکان، وفات الأعیان، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، مکتبة النهضة المصرية، الطبعة الاولى، ۱۳۶۷ ه.ق = ۱۹۴۷م.

- ۵- ابن الندیم، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، انتشارات أساطیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۶- البلاذری أحمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش، آذرنوش، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
- ۷- بیرونی، ابوریحان، آثار الباقیة، ترجمه اکبر دانا سرشت، انتشارات ابن سینا، تهران، ۱۳۵۲.
- ۸- پیرنیا، حسن، ایران باستان، چاپ مجلس، تهران، بدون تاریخ.
- ۹- الجاحظ، أبی عثمان عمرو بن بحر، المحاسن و الأضداد، تحقیق الدكتور عاصم العیتانی، دار إحياء العلوم، لبنان، بیروت، الطبعة الأولى، ۱۴۰۶ ه.ق = ۱۹۸۶ م.
- ۱۰- الجوالیقی، أبوالمصور، المعرّب من الکلام الأعجمی علی حروف المعجم، دارالکتب المصرية، القاهرة، ۱۳۶۱ ه.ق.
- ۱۱- _____ البیان و التبین، دارالکتب العلمیة، لبنان، بیروت، بدون تاریخ.
- ۱۲- خیام نیشابوری، عمر بن ابراهیم، نوروز نامه، ۱۳۷۹.
- ۱۳- رضی، هاشم، جشنهای آب، انتشارات بهجت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- ۱۴- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جوهر کلام، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۴۱.
- ۱۵- سیهر، محمد تقی، ناسخ التواریخ، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۱.
- ۱۶- شکری الألوسی، سید محمود، شارح بهجت الأثری، دارالکتب العربی، مصر، الطبعة الثالثة، ۱۳۴۲ ه.ق.
- ۱۷- شیخو، الأب، المجانی الحدیثة، الشارح فؤاد افرام البستانی، انتشارات ذوی القربن، ایران، قم، الطبعة الرابعة، ۱۴۱۹ ه.ق = ۱۹۹۸ م.
- ۱۸- الصولی، ابوبکر محمد بن یحیی، أدب الکتاب، مطبعة السلفیة، مصر، قاهره، ۱۳۴۱ ه.ق.
- ۱۹- ضیف، شوقی، الفن و مذاهبه فی الشعر العربی، دارالمعارف، الطبعة العاشرة، مصر.
- ۲۰- عبدالمعطی الصیاد، فؤاد النوروز و أثره فی الأدب العربی، دارالأحد، بیروت، ۱۹۷۲ م.
- ۲۱- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش نظام‌الدین نوری براساس چ مسکو، نشر زهره، تهران، ۱۳۷۸.
- ۲۲- کریستن سن، آرتور، ترجمه رشید یاسمی، دنیای کتاب، تهران، چاپ نهم، ۱۳۷۷.
- ۲۳- محمدی ملایری، محمد، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، انتشارات توس، ۱۳۷۵.
- ۲۴- _____ مقالة «النوروز عبر التاريخ و فی الادب العربی، مجلة الدراسات الأدبية، السنة الثانية، العدد الاول، ربيع ۱۹۶۰ م.
- ۲۵- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، چاپ دوم، بدون تاریخ.
- ۲۶- مهیار الدیلمی، دیوان مهیار الدیلمی، دارالکتب المصرية، القاهرة، الطبعة الأولى، ۱۳۴۴ ه.ق، ۱۹۲۵ م.
- ۲۷- الممتنبی، ابوالطیب أحمد بن الحسین، دیوان الممتنبی، الشرح عبدالرحمن البرقوقی، شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم، لبنان، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۳۵۷ ه.ق = ۱۹۳۸ م.
- ۲۸- المقریزی، أحمد بن علی، اخطط المقریزیة، طبع الساحل الجنوبی (السّیاح)، بیروت، ۱۹۵۹ م.
- ۲۹- مجیب المصری، حسین، صلات بین العرب و الفرس و التّورک، مكتبة الانجلو المصرية، القاهرة، ۱۳۹۰ ه.ق = ۱۹۷۱ م.
- ۳۰- نداء، طه، الأدب المقارن، دارالنهضة العربیة، ۱۴۱۲ ه.ق = ۱۹۹۱ م.
- ۳۱- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی براساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانس ور، نشر نی، تهران، چاپ سوّم، ۱۳۸۲.